

راهکارهای مقابله با فروپاشی کانون خانواده در آموزه‌های قرآن کریم (با تکیه بر آیات سوره طلاق)

ابراهیم کلانتری^{۱*}، فاطمه لایقی^۲

۱. استاد تمام دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، ایران
ekalantari@ut.ac.ir

۲. دانش‌آموخته دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
fatemeh7783@gmail.com

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۰/۵/۱۵]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۰/۲/۱۲]

چکیده

تزلزل پیوند زناشویی و فروپاشی کانون خانواده از جمله آسیب‌هایی است که تبعات منفی بسیاری در ابعاد مختلف زندگی بشر به دنبال داشته و فکر و اندیشه بسیاری از اندیشمندان و مصلحان اجتماعی را به خود مشغول ساخته است. قرآن کریم به عنوان وحی خالص الهی و اصلی‌ترین منبع اسلام راستین، راهکارهای مفیدی جهت حفظ کانون خانواده و جلوگیری از فروپاشی آن عرضه نموده است. این مقاله که از نوع کتابخانه‌ای است در صدد است به روش استنادی به شناسایی و عرضه این راهکارها بپردازد. بر اساس این تحقیق می‌توان راهکارهای مقابله با فروپاشی کانون خانواده را که در سوره «طلاق» آمده است، به دو دسته ۱- کنشی، ۲- بینشی و گرایشی، تقسیم کرد. راهکارهای کنشی عبارتند از: «محدودیت زمانی خاص برای طلاق»، «حضور زن در منزل همسر در طول عده طلاق»، «جدایی شایسته»، «حضور دو شاهد عادل ناظر بر وقوع طلاق»، و راهکارهای بینشی و گرایشی عبارتند از: «یاد خدا»، «رعایت تقوا»، «حفظ حدود الهی»، «توجه به قیامت»، «عبرت‌گیری از عذاب سخت الهی» و «توجه به قدیر و علیم بودن خداوند».

واژگان کلیدی: کانون خانواده، طلاق، راهکارهای کنشی، راهکارهای بینشی و گرایشی.

۱- مقدمه

خانواده نخستین نهاد اجتماعی است که بر پایه آن جامعه انسانی شکل می‌گیرد. به همین سبب استحکام، پویایی، طهارت و قرار خانواده، و یا برعکس اختلاف، بی‌قراری، نابسامانی و عدم طهارت آن به‌طور مستقیم به اجتماع منتقل می‌گردد. (اخوت و قاسمی، ۱۳۹۳).

کانون خانواده، در نگاه اسلام راستین از جایگاه ویژه و اهمیتی فوق‌العاده‌ای برخوردار است. اسلام پیوند زناشویی و تشکیل خانواده را پیوندی مقدس و عبادتی کم‌نظیر و در برخی موارد به‌عنوان واجب شرعی به‌شمار آورده و آرامش روح و جسم انسان را در گرو ازدواج و پیوند شرعی میان زوجین دانسته است. در اسلام هیچ بنایی محبوب‌تر از بنای ازدواج نیست. (صدوق، ۱۴۱۳) دیدگاه اسلام در مورد طلاق برخلاف ازدواج است و همان‌گونه که ازدواج را امری مقدس می‌داند و تأکید فراوان بر ایجاد کانون خانواده نموده، طلاق را امری ناپسند دانسته و از آن به‌عنوان مبعوض‌ترین حلال‌ها و امری که خشم خدا را به دنبال دارد، یاد کرده است. امام صادق ۸ فرمودند: «مَا مِنْ شَيْءٍ مِمَّا أَحَلَّهُ اللَّهُ أُبْغِضَ إِلَيْهِ مِنَ الطَّلَاقِ» هیچ چیز از آنچه خداوند متعال آن را حلال قرار داده‌است، نزد او منفورتر و ناپسندتر از طلاق نیست» (حر عاملی، ۱۴۰۹). در سخنی دیگر آن حضرت فرموده است: «تَزَوُّجًا وَ لَا تُطَلِّقُوا فَإِنَّ الطَّلَاقَ يَهْتَرُ مِنْهُ الْعُرْسُ» ازدواج کنید و طلاق ندهید، طلاق عرش خداوند را به لوزه در می‌آورد. (طبرسی، ۱۴۱۲).

با مراجعه به آیات قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم ۹ و اهل بیت پاکش ۵٪ می‌توان به رهنمودها و هدایت‌های بسیاری دست یافت که از سویی راهکارهای چگونگی پیوند صحیح زناشویی و تشکیل خانواده را در اختیار می‌گذارند و از سویی دیگر راهکارهایی را برای حفظ بنیان خانواده از خطرات تزلزل و فروپاشی پیش روی انسان قرار می‌دهند. فاصله گرفتن و در نهایت پشت کردن جوامع انسانی به هدایت‌های وحیانی و رهنمودهای مشفقانه پیامبران و اولیاء الهی هم‌چنان که بسیاری از عرصه‌های حیات آدمیان را با بن‌بست‌ها و انحراف‌های بفرنج مواجه ساخته، خانواده را نیز که نخستین و اصلی‌ترین مرکز رشد، پرورش و تعالی جسم و روح آدمیان است به اضمحلال و نابودی کشانده است. حقیقت آن است که هیچ عصری مانند عصر ما خطر انحلال کانون خانوادگی و عوارض سوء ناشی از آن را مورد توجه قرار نداده است؛ و در هیچ عصری مانند این عصر عملاً بشر دچار این خطر و آثار سوء ناشی از آن نبوده است (مطهری، ۱۳۶۵).

بدون تردید افزایش روزافزون طلاق یکی از اصلی‌ترین مشکلات و آسیب‌های اجتماعی در این عصر به‌شمار می‌آید، زیرا طلاق نه فقط باعث از هم گسیختگی بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی یعنی خانواده می‌گردد، بلکه اثرات سوء آن تمام ابعاد جامعه را در برمی‌گیرد. طلاق ابعاد مختلف فردی و اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، جسمی و روانی زن، مرد و فرزندان را در می‌نوردد و سپس در سطح کلان دامن‌گیر جامعه می‌شود. در میان آسیب‌های اجتماعی کمتر آسیبی است که چنین ابعاد گسترده‌ای را تحت تأثیر قرار دهد. در بررسی علل طلاق، موارد مختلفی به چشم می‌خورد. برخی از طلاق‌ها به سبب عواملی چون اعتیاد، عدم تفاهم، بن‌بست‌های لاینحل، خیانت و... رخ می‌دهند اما بسیاری از طلاق‌ها ناشی از لجبازی، تنوع‌طلبی، احساسات کاذب، خیال‌پردازی، بلندپروازی، مسئولیت‌ناشناسی و عواملی از این دست است که زوجین و یا یکی از آنان را به سمت ناسازگاری و در نهایت فروپاشی کانون گرم خانواده سوق می‌دهد. از سوی دیگر برخی از زوجین پس از مدتی که از طلاقشان می‌گذرد پشیمان شده و این احساسی شایع در میان اکثر زوج‌های جدا شده می‌باشد. آمارها نشان می‌دهد ۹۰ درصد زوجین و به‌خصوص زنان پس از طلاق پشیمان می‌شوند.

پرسش‌های اصلی که این مقاله به پاسخ آنها از منظر آیات وحی می‌پردازد آن است که: ۱- در مواجهه با این آسیب بزرگ اجتماعی، قرآن کریم به‌عنوان اصیل‌ترین منبع اسلام، چه راهکارهایی برای حفظ کانون خانواده و جلوگیری از فروپاشی آن عرضه نموده است؟، ۲- آیا قرآن کریم به پشیمانی بعد از وقوع طلاق توجه داشته و راهکاری برای آن ارائه کرده است؟

بی‌گمان قرآن کریم که یگانه نسخه آسمانی هدایت‌بخش آدمیان به قله‌های کمال است نمی‌تواند پرسش‌هایی از این دست را بی‌پاسخ بگذارد و نسبت به استحکام بنیان خانواده و چگونگی حفظ آن ساکت بماند. از دقت در آیات سوره طلاق می‌تواند دریافت که

خداوند در این سوره دو دسته راهکار را برای حفظ استحکام خانواده و چگونگی مواجهه با عواملی که خانواده را با تزلزل روبرو می‌کنند بر آدمیان عرضه نموده است. این پژوهش می‌کوشد پس از معرفی اجمالی سوره طلاق، به شناسایی و معرفی این راهکارها بپردازد.

۱-۱- معرفی سوره «طلاق»

سوره طلاق، به لحاظ ترتیبی شصت و پنجمین سوره از قرآن کریم است. این سوره در مدینه نازل گردیده است و دوازده آیه دارد. (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۴۵۴/۱۰). نام‌گذاری این سوره به نام طلاق به دلیل اشاره به احکام طلاق در بیشتر آیات این سوره است. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴). غرض اصلی این سوره بیان احکام شرعی خانواده، هنگام استقرار خانواده و بعد از جدایی زوجین است. (زحیلی، ۱۴۱۸). این سوره کلیاتی از احکام طلاق را بیان می‌کند و در همین باب به اندرز و تهدید و بشارت می‌پردازد. (طباطبایی، ۱۴۱۷).

آیات این سوره، مشابهت زیادی با آیات ۲۲۲ تا ۲۳۸ سوره «بقره» دارد. می‌توان گفت که محور مطرح شده در آیات مذکور سوره «بقره»، در سوره «طلاق» توضیح داده شده و به تعبیری تکمیل مباحث آن صورت گرفته است.

سوره «طلاق» را سوره «النساء القصری» نامیده‌اند (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲؛ حقی بروسوی). این نام را در مقابل سوره «نساء» که به «النساء الکبری» مشهور است، انتخاب نموده‌اند. نزول یک سوره درباره مسأله طلاق و بیان برخی احکام آن، نشان‌دهنده توجه خاص خداوند متعال به زندگی خانوادگی مسلمانان و حقوق زنان می‌باشد. در سوره «طلاق» راهکارهایی برای حفظ کانون خانواده و مقابله با فروپاشی آن آمده است. این راهکارها را می‌توان به دو دسته کلی، راهکارهای کنشی، راهکارهای بینشی و گرایش‌ی تقسیم نمود.

۲-۱- راهکارهای کنشی مقابله با فروپاشی کانون خانواده

کنش به معنای عمل و کردار است. (عمید، ۱۳۵۷؛ دهخدا، ۱۳۴۸؛ معین، ۱۳۶۰). کنش حاصل بینش و گرایش است و آموزه‌هایی که انسان فراگرفته موجب پدیدار شدن رفتار آدمی می‌شود. گزاره‌های بینش و گرایش، به وسیله کنش امکان ظهور یافته و با توجه به آنها، آموزه‌های عملی و رفتاری و کرداری انسان شکل می‌گیرند.

منظور از راهکارهای کنشی در این پژوهش، اعمال و رفتاری است که خداوند متعال به انسان می‌آموزد تا با انجام دادن آن، از طلاق پیشگیری شود و جامعه انسانی از اثرات سوء آن در امان بماند. این راهکارها را می‌توان بدین‌ترتیب دسته بندی کرد:

۱-۲-۱- حضور زن در منزل در عده طلاق

در میان احکام الهی سوره «طلاق»، راهکار کنشی مهمی در آغاز سوره بیان شده است و آن حکم به عدم خروج زنان از منزل سابق خود در زمان عده طلاق است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْضُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تَخْرُجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا» (طلاق/۱)

عبارت «لَا تَخْرُجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ» بیان می‌دارد که در زمان عده جایز نیست برای شوهر که زن مطلقه را از منزلی که قبل از طلاق، در آن سکونت داشته، بیرون کند و در صورت اخراج زن، گناه انجام داده است و بر زن هم جایز نیست که در زمان عده از منزل خارج شود و گرنه گناه کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲؛ طیب، ۱۳۷۸). اضافه نمودن «البیوت» به ضمیر «هن» در حالی که خانه برای مردان است برای تأکید نهی مذکور است و کمال استحقاق زن را برای سکنی گزیدن در آن خانه بیان می‌کند (شوکانی، ۱۴۱۴). این

حکم الهی به صورت خطابی به پیامبر 9 نازل شده است و این بدان علت است که آن حضرت، امام و رهبر امت است و سایر مردم باید به ایشان اقتداء نمایند و این حکم تعمیم دارد (کاشانی، ۱۴۲۳؛ امین، ۱۳۶۱).

نهی «لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ» در آیه فوق، موجب استحکام خانواده و جلوگیری از فروپاشی آن می‌گردد. حتی برخی از مفسران استثنای «إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ» را که در ادامه این نهی آمده است، چنین تفسیر نموده‌اند که خود خروج زنان از خانه در زمان عدّه، فاحشه مبینه است (فراء؛ زمخشری، ۱۴۰۷؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰)؛ آنان تقدیر این عبارت را چنین می‌دانند: «لَا يَخْرُجْنَ إِلَّا (خُرُوجُهُنَّ) أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ».

هرچند که افراد بسیاری با زیر پا گذاشتن این حکم صریح خداوند، حکم خارج نکردن و خارج نشدن زن در هنگام عدّه طلاق را، اصلاً اجرا نمی‌کنند و به محض جاری شدن صیغه طلاق، زن و مرد خود را آزاد می‌پندارند، ولی این حکم اسلامی فلسفه مهمی دارد، زیرا علاوه بر حفظ احترام زن، غالباً زمینه را برای بازگشت شوهر از طلاق و تحکیم پیوند زناشویی، فراهم می‌سازد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴). وجود این حکم بیانگر آن است که خداوند متعال نسبت به غلبه احساسات و پشیمانی بسیاری از زوجین بعد از طلاق علم داشته است و با این حکم حکیمانه، درصدد احیای کانون خانواده در کوتاه‌ترین زمان است.

جواز شرعی طلاق مطابق با نیاز خانواده و در مواردی تنها مصلحت افراد خانواده است، اما تصور غلط از این جواز شرعی و مواجهه افراطی با آن، موجب سستی و فروپاشی نظام خانواده در بسیاری از موارد است. عبارت «لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا» (طلاق/۱) نشان می‌دهد که پیامبر 9 به‌عنوان رهبر جامعه اسلامی از وضعیت تزلزل خانواده به‌خصوص به محض صدور طلاق، ناراضی بوده و امید داشتند که خداوند، با تکمیل قوانین طلاق، اوضاع را تغییر دهند (صبوحی طسوجی، ۱۳۹۶). توضیح این که «دری» به معنای «علم» است (فیومی، ۱۴۱۴)، پس منظور از خطاب «لَا تَدْرِي» به پیامبر، این است که راه‌های برون رفت از بحران شکل گرفته در جامعه و افزایش طلاق، در حیطه علم خداوند است و بدون وحی نمی‌توان بدانها دست یافت. در این آیه خداوند یکی از راه‌های مقابله با فروپاشی خانواده را حضور و زندگی زن در زمان عدّه در همان خانه محل زندگی پیش از طلاق معرفی کرده است. فلسفه چنین حکمی شاید آن باشد که زن و مرد گاهی تصمیم بر طلاق را در مواضعی که تحت تأثیر هیجان‌های زودگذر بودند، اتخاذ نموده‌اند؛ با گذشت زمان و اندیشه بیشتر در عواقب طلاق، ممکن است که بسیاری از این گونه جدایی‌ها به آشتی منتهی گردد. بی‌گمان چنین بازگشتی آن‌گاه میسر است که زن خانه همسر را در زمان عدّه ترک نکرده باشد و عوامل سوء دیگری بر احساسات کاذب پیشین افزوده نشده باشد. از سویی در موقعی که زن در عدّه طلاق رجعی است، زن و شوهر می‌توانند بدون هیچ گونه تشریفات، زندگی زناشویی را از سر گیرند و این از سرگیری زندگی، با هر سخن و یا عملی که به قصد بازگشت باشد، حاصل می‌شود.

دوران عدّه زمان مناسبی برای شکل‌گیری مجدد کانون خانواده است. در منابع روایی حتی به آراستگی زن در زمان عدّه توجه خاصی شده است تا شاید سبب بازگشت به زندگی خانوادگی را ایجاد نماید و کانون خانواده را از فروپاشی کامل درامان دارد. در روایتی از امام باقر 8، آمده است: «المطلقة تكتحل و تختضب و تطيب و تلبس ما شاءت من الثياب، لان الله عز و جل يقول «لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا» لعلها ان تقع في نفسه فيراجعها». زن مطلقه در دوران عدّه‌اش می‌تواند آرایش کند، سرمه در چشم نماید، و موهای خود را رنگین، و خود را معطر، و هر لباسی که مورد علاقه او است بپوشد، زیرا خداوند می‌فرماید: شاید خدا بعد از این ماجرا وضع تازه‌ای فراهم سازد، و ممکن است از همین راه زن بار دیگر قلب مرد را تسخیر کرده و مرد رجوع کند» (کلینی، ۱۴۲۹؛ طوسی، ۱۳۹۰).

پیش از نزول سوره «طلاق»، به محض طلاق، جدایی بین دو همسر ایجاد می‌گشت و به سرعت کانون خانواده از هم می‌پاشید و تبعات فراوانی را متوجه خانواده می‌نمود. جهت برون رفت از این مشکل اجتماعی، خداوند متعال طلاق رجعی را وضع نمود که

برخوردراری از فواید آن مستلزم اجرای احکام مربوطه می‌باشد؛ خداوند حرمت اخراج و خروج زن مطلقه از منزل سابق خود را وضع نمود تا معلوم شود که این طلاق، براساس هیجان و از روی احساس بوده است و یا تصمیمی عقلانی است.

۱-۲-۲- محدودیت زمانی خاص برای طلاق

عبارت «فَطَّلُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ» (طلاق/۱) می‌رساند که اگر در ایامی از ماه که منعی شرعی برای روابط زناشویی وجود ندارد، حتی یک بار رابطه زناشویی شکل گیرد، مرد حق طلاق همسر خود را ندارد، مگر این که زن پس از عادت ماهیانه رابطه زناشویی با همسرش نداشته باشد (طیب، ۱۳۷۸). امام صادق ۸ در توضیح این عبارت فرموده‌اند: «لا طلاق إلا علی طهر من غیر جماع» طلاق فقط در زمان پاکی که جماع صورت نگرفته باشد، واقع می‌گردد (کلینی، ۱۴۲۹؛ بروجردی، ۱۳۸۶).

زن به مجرد آن که سیغه طلاق جاری گشت، به صورت کامل از همسر خود جدا نمی‌شود بلکه در تحت مسئولیت همسر در ایام عده باقی می‌ماند، و چون ایام عده سپری شود، مفهوم طلاق عملاً صورت گرفته است (مدرسی، ۱۴۱۹). از آنجا که شدت تمایلات جنسی در مردان زیاد است و توان خویشتن‌داری در آنها کم است، این فاصله زمانی بسیاری از شوهران را از طلاق منصرف می‌گرداند.

۱-۲-۳- جدایی شایسته

پس از این که دوران عده به انتهای خود نزدیک شد، پرخداوند دوره را برای زوجین ترسیم می‌کند. یکی از راه‌ها رجوع است که توضیح آن داده شد. راه دیگر جدایی است که دستور به جدایی شایسته در سوره «طلاق» داده شده است: «فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ...» (طلاق/۲).

در عبارت فوق، یکی از مهم‌ترین و حساب شده‌ترین دستورهای مربوط به زندگی زناشویی، مطرح شده و آن اینکه زن و مرد پس از انقضای مدت عده، یا باید به‌طور شایسته با هم زندگی کنند، و یا به‌طور شایسته از هم جدا شوند. همانگونه که زندگی مشترک باید روی اصول صحیح انسانی باشد، جدایی نیز باید خالی از هرگونه جار و جنجال و دعوی و نزاع و بدگویی و ناسزا و اجحاف و تزییع حقوق بوده باشد. این مهم است که همان‌گونه که پیوندها با صلح و صفا انجام می‌گیرد، جدایی‌ها نیز توأم با تفاهم باشد، چراکه ممکن است در آینده همین زن و مرد بار دیگر درصدد تجدید زندگی مشترک برآیند، ولی بدرفتاری‌های هنگام جدایی چنان جو فکری آنان را تیره و تار ساخته که راه بازگشت را بر آنان مسدود نماید. از سوی دیگر زن و مردی که به هر دلیل از هم جدا شده‌اند هر دو مسلمانند و متعلق به یک جامعه، و جدایی توأم با مخاصمه و امور ناشایست نه تنها در خود آنان اثر سوء می‌گذارد که در فامیل دو طرف هم اثرات زیان‌باری خواهد داشت به‌گونه‌ای که زمینه همکاری‌های آنان را در آینده به کلی بر باد می‌دهد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴).

۱-۲-۴- حضور دو شاهد عادل ناظر بر وقوع طلاق

واجب است که هنگام وقوع طلاق دو شاهد عادل حاضر باشند: «وَأَشْهَدُوا ذَوَىٰ عَدْلٍ مِّنْكُمْ» (طلاق/۲). شرط دو گواه عادل، نخست برای ثبت و ضبط طلاق، و در درجه دوم برای تأخیر و مهلت بیشتر در جدایی زن و مرد است. از آنجا که یافتن دو شاهد عادل زمان می‌برد، گاه سبب سرد شدن آتش کدورت‌ها می‌گردد. از سوی دیگر، این دو شاهد، به دلیل عدالت خود، سعی در آشتی همسران دارند و این امر نقطه قوتی برای فقه امامیه است.

بدران ابوالعینین، درباره نقش گواهان در کاهش نسبت طلاق، نوشته است: «بیشتر فقیهان بر آنند که گواهی گرفتن بر طلاق شرط نیست، بلکه تنها آن را امری مستحب می‌دانند، بدان سبب که از رسول خدا ۹ و اصحاب او خبری درباره شرط بودن حضور گواهان در طلاق به ما نرسیده است، و فرمان وارد شده در قرآن را، حمل بر استحباب کرده‌اند، ولی امامیه و ظاهریه حضور دو عادل را در طلاق

با استناد به این گفته خدای تعالی: «وَأَشْهِدُوا ذَوَىٰ عَدْلٍ مِّنكُمْ»، شرط واجب دانسته‌اند که در آن خداوند متعال گواهی دادن بر طلاق را خواستار شده است، و این قبیح است که برای رجوع کردن خواستار گواهی شده باشد. بدان سبب که به صورت تبعی ذکر آن شده است، و نیز گفته‌اند که معلوم است که هیچ چیز بیش از طلاق مورد خشم خدا واقع نمی‌شود، پس دین اسلام به هیچ گونه‌ای از گونه‌های جدایی، و مخصوصاً در عائله و خانواده، و مخصوصاً در همسری پس از آن که زن و شوهر اسرار خود را به یکدیگر بازگو کرده‌اند، تمایل نشان نمی‌دهد. بنا براین، شارع به حکمت متعالی خود خواستار کاهش وقوع طلاق و جدایی است، و به همین سبب قید و شرط‌های فراوان قرار داده است تا بنابراین قاعده شناخته شده که چون قیده‌های چیزی فراوان شود کمتر وجود پیدا می‌کند، طلاق نیز در اسلام کمتر صورت بگیرد» (بدران ابوالعینین)

۱-۳- راهکارهای بینشی و گرایشی مقابله با فروپاشی کانون خانواده

بینش در لغت به معنای بصیرت، نگاه، نظر، رؤیت و آگاهی است (عمید، ۱۳۵۷؛ دهخدا، ۱۳۴۸؛ معین، ۱۳۶۰). اما در اصطلاح بینش مجموعه منسجمی از شناخت‌ها و باورها است که اساس فعالیت‌های انسان را تشکیل می‌دهد. بینش از تصورها، آموخته‌ها و استدلال درباره انسان و چگونگی رابطه انسان با پیرامون خود، جهان هستی و ماورای آن شکل می‌گیرد. بینش به آدمی می‌آموزد که درباره خویشتن و دیگران چگونه بیندیشد و به چه اموری اهتمام بورزد و از چه اموری دوری کند. «گرایش» به معنای میل و رغبت انسان به چیزی است (عمید، ۱۳۵۷؛ دهخدا، ۱۳۴۸؛ معین، ۱۳۶۰). مراد از گرایش در اصطلاح اعتقادات، باورها، اعمال و رفتارهای ویژه‌ای است که آدمی به آنها میل درونی دارد (خطیبی کوشکک و دیگران، ۱۳۸۶). گرایش همان است که به فرد انرژی می‌دهد و او را به سوی هدفش رهبری می‌کند.

شناخت و یا بینش به تنهایی نمی‌تواند رفتاری را ایجاد کند، چه‌بسا انسان می‌داند که رفتاری مفید است و با آن که به آن علم دارد، ولی خلاف علمش عمل می‌کند. برای دستیابی به رفتار صحیح نیازمند انگیزش یا گرایش نیز می‌باشد. دو عامل اساسی، «بینش» و «گرایش» موجب پیدایش رفتار و عمل از روی اختیار، می‌شوند. به همین دلیل در این پژوهش، راهکارهای بینشی و گرایشی با هم بیان گردیده‌اند و منظور از راهکارهای بینشی و گرایشی، راهکارهایی هستند که خداوند متعال برای ایجاد باور و اعتقاد صحیح، بیان می‌دارد تا با ایجاد و یا تقویت انگیزه، انسان را به سوی انجام عمل صحیح و یا ترک عمل نادرست ترغیب و تشویق کند. قرآن کریم در سوره طلاق پاره‌ای از راهکارهای بینشی و گرایشی را برای مقابله با طلاق و فروپاشی کانون خانواده عرضه کرده است که می‌توان آنها را بدین‌قرار برشمرد:

۱-۳-۱- یاد خدا

یاد خدا از مهم‌ترین توصیه‌ها و آموزه‌های قرآن کریم به عموم انسان‌ها در همه حالات و شرایط زندگی است. عمل به همین توصیه قرآنی، باعث می‌شود که خدا با لطف و رحمت و اسعاهش همواره در زندگی انسان به‌عنوان شاهدی عادل، حاضر و ناظر قرار گیرد: «فَإِذْ كُرُونِي أَذْكَرُكُمْ» (بقره/۱۵۲). چنین حضوری نخستین نتیجه‌اش این است که انسان را از گرفتار آمدن در دام‌های شیطانی و هواهای نفسانی در امان می‌دارد. نزاع‌ها و اختلافات خانوادگی معرکه حضور و نقش‌آفرینی شیطان و هواهای نفسانی است و یاد خدا در این میدان‌گاه پرمخاطره می‌تواند شعاع عقلانیت را افزون و فروغ عدالت را بر فضای زندگی حاکم نماید. سوره «طلاق» مشتمل بر ۱۲ آیه است، ولی لفظ «الله» در آن ۲۵ بار تکرار شده است که به طور نسبی از تمامی سوره‌های قرآن (به جز دو سوره کوچک «توحید» و «نصر») بیشتر است. این امر به علت اهمیت به یاد داشتن خداوند متعال در روابط میان همسران در شرایطی است که بستر زورگویی و ظلم فراهم است (بازرگان، ۱۳۷۵). هرگاه زن و مرد خود را در منظر «الله» بدانند، می‌توانند روابط گوناگون خود را بر محور آنچه

خداوند خواسته تنظیم کنند و در شرایط سخت زندگی که اختلافات به اوج می‌رسد نیز مهار نفس خویش را در دست گیرند و تا آنجا که بلحاظ شرعی و عقلی جا دارد از فروپاشی خانواده جلوگیری کنند.

۱-۳-۱- رعایت تقوا

محور اصلی سوره «طلاق»، احکام طلاق و عوارض ناشی از آن است و معمولاً طلاق به دنبال مشاجره و اختلاف صورت می‌گیرد. نزاع و اختلاف، به صورت طبیعی بستر مناسبی جهت حضور و القانات شیطانی و ظهور و بروز هواهای نفسانی است. خداوند متعال جهت کنترل احساسات انسان و مقابله با وسوسه‌های شیطانی و هواهای نفسانی، او را دعوت به رعایت تقوای الهی می‌نماید. ظاهر عبارت «وَ اتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ» (طلاق/۱) می‌رساند که جمله «بیرونشان نکنید»، بدل از جمله «از پروردگارتان بترسید» می‌باشد. خاصیت این بدل آوردن تأکید نهی در جمله «بیرونشان نکنید» است (طباطبایی، ۱۴۱۷). افزون بر عبارت فوق، در ۴ موضع دیگر سوره «طلاق» (آیات ۴ و ۵ و ۱۰) بحث «تقوی» تکرار گردیده که با لفظ جلاله «الله» همراه است، زیرا تقوای الهی عاملی بازدارنده است که بواسطه آن افراد جامعه در هنگام بحران‌های مربوط به طلاق، حدود انصاف و عدالت را رعایت کنند.

شهید مطهری در اهمیت تقوا در زندگی زناشویی می‌گوید: «من نمی‌خواهم ادعا کنم به علل افزایش طلاق احاطه دارم و می‌توانم همه را بیان کنم؛ بدون شک عوامل اجتماعی گوناگونی دخالت دارد. ولی اینقدر می‌دانم که عامل اصلی افزایش طلاقها از بین رفتن عنصر تقواست» (مطهری، ۱۳۹۰).

۱-۳-۳- حفظ حدود الهی

در تبیین حقوق خانواده جز حق‌مداری چیزی مطرح نیست و تمام کوشش باید برای شناخت این فرهنگ و اجرای حدود الهی آن مصروف گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۸). پس از دستور به عدم اخراج و خروج زن در عده طلاق، عبارت «و تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ» (طلاق: ۱) آمده است. این عبارت به‌عنوان تأکیدی برای عمل به حکم قبل از خود است. اخراج و خروج زن مطلقه از خانه‌ای که پیش از طلاق در آن می‌زیسته را مصداقی از رعایت نکردن حدود الهی و ظلم به خود معرفی می‌نماید. مسلم است که انسان عاقل در پی ظلم نمودن به خود نخواهد بود.

جالب این است که عبارت «حدود الله» در قرآن تنها ۱۴ مرتبه به‌کار رفته است و بیشترین کاربرد آن در مورد طلاق است (بازرگان، ۱۳۷۵). حدود الهی دانستن دستورات الهی در باب طلاق، انسان را متنبه می‌کند که موظف به اجرای قوانین و مقررات الهی در این باب است و تجاوز از آنها خواه از ناحیه مرد باشد یا زن ظلم به نفس و لطمه به سعادت خود آنان است. از جمله لطمه‌هایی که در اثر عدم رعایت حدود الهی ممکن است برای شخص طلاق گرفته پدید آید، آسیب‌هایی است که در پی طلاق برای او ایجاد می‌گردد.

۱-۳-۴- اعتقاد به امر الهی

در انتهای آیه اول از سوره «طلاق» عبارت «لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا» آمده است و بیان می‌کند که چه بسا خدای تعالی بعد از این، امری پدید آورد که وضع زن و شوهر را عوض کند و رأی شوهر در طلاق همسرش عوض شده، به آشتی با وی متمایل گردد، چون زمام دل‌ها به دست خداست و ممکن است محبت همسرش در دلش پیدا شود و به زندگی قبلی خود برگردند (طباطبایی، ۱۴۱۷).

در روایتی از امام باقر^ع یا امام صادق^ع آمده است: «فی المطلقه تعتد فی بیتها و تظهر له زینتها لعل الله يحدث بعد ذلك أمرا»، زن مطلقه باید در خانه‌اش عده نگه دارد و خود را برای همسرش آرایش کند، شاید خداوند پس از آن امری را پدید آورد (طوسی، ۱۴۰۷). در

این روایت منظور از امری که خدا پدید آورد این است که مرد و زن به هم متمایل شوند و زندگی مشترک خود را دوباره از سر گیرند.

۱-۳-۵- ایمان به قیامت

عبارت «ذَلِكُمْ يُوعِظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» (طلاق: ۲)، پندهای الهی را، تنها برای کسانی مفید می‌داند که به خدا و روز قیامت ایمان دارند، زیرا به واسطه ایمانشان از این وعظ و اندرز نتیجه می‌گیرند (کاشانی، ۱۳۳۶). البته این وعظ برای مؤمن و کافر مفید است و لکن چون تنها مؤمنان از پندهای الهی منتفع می‌شوند، ایشان را تخصیص کرد (راوندی، ۱۴۰۵؛ امین، ۱۳۶۱). از آنجا که ایمان به معاد در پرتو ایمان به توحید شکل می‌گیرد، لذا این عبارت را به عنوان راهکار بینشی در نظر می‌گیریم که باور به معاد را تقویت می‌کند.

درباره مشارالیه «ذالکم» چند قول مطرح شده است:

الف: تنها اشاره به مساله توجه به خدا و رعایت عدالت از ناحیه شهود می‌کند (کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۳؛ سبزواری نجفی، ۱۴۱۹).

ب: این تعبیر معنی وسیعی دارد و تمام احکام گذشته در مورد طلاق را دربر می‌گیرد (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴).

ج: برخی مفسران هر دو قول فوق را معتبر می‌دانند (مقدس اردبیلی؛ کاشانی، ۱۴۲۳).

اما آنچه که با سیاق آیات سازگارتر است، قول دوم می‌باشد. در نتیجه حکم عدم خروج و اخراج زن مطلقه از منزل سابق خود را نیز در بر خواهد گرفت و عبارت فوق، اهمیت فوق‌العاده این حکم الهی مغفول مانده در جامعه کنونی را متذکر می‌شود، زیرا اگر کسی آن حکم را رعایت نکند، گویی ایمان به خدا و روز قیامت ندارد.

در فضیلت این سوره، ابوبصیر از امام صادق^۸ روایت کرده که فرمودند: «مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الطَّلَاقِ وَ التَّحْرِيمِ فِي فَرِيضَةٍ أَعَادَهُ اللَّهُ مِنْ أَنْ يَكُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِمَّنْ يَخَافُ أَوْ يَحْزَنُ وَ عُوْفَى مِنَ النَّارِ وَ أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ بِتِلَاوَتِهِ إِيَّاهُمَا وَ مُحَافَظَتِهِ عَلَيْهِمَا لِأَنَّهُمَا لِلنَّبِيِّ ۹» کسی که سوره‌های «طلاق» و «تحريم» را در نماز واجب خود بخواند، خداوند او را پناه دهد از اینکه روز قیامت خوف و حزنی به او برسد و از آتش بخشوده شود و خداوند او را داخل بهشت نماید به سبب تلاوت و محافظتش بر آنها زیرا که آن دو سوره برای پیامبر^۹ است (صدوق، ۱۴۰۶). مسلم است که پناه از خوف قیامت، شامل حال کسی می‌گردد که به محتوای این سوره ایمان آورده و به دستورات مطرح شده در آن عمل نماید، همانطور که در متن حدیث بر محافظت از آن تأکید شده است.

۱-۳-۶- عبرت‌گیری از عذاب انسان‌های سرکش گذشته

در بسیاری از مواقع، قرآن کریم بعد از ذکر احکام، اشاره به وضع امت‌های قبل می‌کند تا به مسلمانان غایت سرکشی و عصیان را گوشزد نماید و از سوی دیگر مساله شکل حسنی به خود بگیرد تا بهتر درک گردد. در سوره «طلاق» نیز بعد از ذکر وظائف افراد هنگام طلاق و جدایی به سراغ همین معنی رفته و عاقبت دنیایی عاصیان و گردنکشان را بیان می‌کند:

«وَ كَأَيُّنْ مِنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَ رُسُلِهِ فَحَاسِبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَدَّيْنَاهَا عَذَابًا نُكْرًا* فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَ كَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا» (طلاق: ۸-۹).

پس از آن به ذکر عاقبت اخروی سرکشان می‌پردازد: «أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا» (طلاق: ۱۰).

شدت عذابی که در آیات فوق بیان شده بسیار است و این سؤال در ذهن شکل می‌گیرد که نافرمانی از احکام طلاق چرا افراد را مستحق چنین عذابی می‌نماید؟

پاسخ این است که دلیل این عذاب شدید، اهمیت بحث خانواده در اسلام است. حتی مثال عذاب را با عنوان «قریه» مطرح نموده است تا بفهماند که وقتی در جامعه‌ای از احکام طلاق تجاوز و تعدی می‌شود، آن جامعه به سمت عذاب می‌رود. زیرا که در اسلام، نخستین بستر اجتماعی که موجب رشد انسان‌ها می‌گردد، خانواده است (صبوحی طسوجی، ۱۳۹۶).

و نقطه مقابل سرکشی را ایمان و انجام عمل صالح در سایه تبعیت از فرامین رسول، معرفی می‌نماید:

«رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا» (طلاق: ۱۱).

به قرینه سیاق آیات، مصداق عمل صالح، انجام احکام الهی در باب طلاق است. هر انسان عاقلی با ترسیمی که خداوند از سرنوشت اخروی انسان نموده است، سعی می‌کند که مخالفت امر و حکم پروردگار را ننماید.

۱-۳-۷- توجه به قدیر و علیم بودن خداوند

در انتهای سوره «طلاق» به «قدیر بودن» و «احاطه علم» خداوند تصریح شده است: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا» (طلاق: ۱۲).

تأکید سوره بر روی نام «قدیر» معنای خاصی در رابطه با سیاق سوره دارد. گویا چون در مسئله طلاق، زورگویی و رفتار از موضع قدرت موجب ظلم و تعدی از حدود احکام الهی می‌شود، در اینجا قدرت نامحدود خداوند را یادآور شده است تا مانعی برای زیرپا نهادن اوامر الهی گردد (بازرگان، ۱۳۷۵).

احاطه علم خداوند را برای زدودن غفلت افراد بیان نموده است تا همواره همسران در هنگام مشکلات زندگی و بخصوص طلاقشان، خدا را ناظر بر جزئیات روابط میان خود بدانند.

آیه آخر سوره، «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا» (طلاق/۱۲)، تأکید مطالب گذشته و استدلال بر آنهاست یعنی همه آنچه گفته شد از خدای قادر و دانا ساخته است (قرشی، ۱۳۷۷).

در یک نگاه کلی به ساختار سوره «طلاق»، در می‌یابیم که از آیه ۸ تا انتهای سوره، بینش‌ها و انگیزه‌هایی برای اجرای احکام مطرح شده در آیات نخست، بیان می‌شود. بحث از عظمت پروردگار و منزلت رسول او، مجازات سرکشان و پاداش صالحان و توجه به قادر و علیم بودن خداوند و ... باعث شده که مجموعه منسجمی، برای ضمانت اجرای احکام مربوط به این مسأله مهم اجتماعی شکل گیرد.

۲- بحث و نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت این نتایج به دست می‌آیند:

نخست آنکه: به دلیل اهمیت کانون خانواده در اسلام راستین، قرآن کریم به‌عنوان اصلی‌ترین منبع اسلام راهکارهای بسیاری جهت مقابله با فروپاشی کانون مقدس خانواده بر آدمیان عرضه نموده است. سوره طلاق که تنها ۱۲ آیه دارد، حاوی راهکارهای مفیدی در این زمینه است که اگر در جامعه به‌کارگرفته شوند بی‌گمان آمار طلاق کاهش چشم‌گیری می‌یابد.

دوم آنکه: اسلام ازدواج و شرایط تشکیل خانواده را بسیار آسان گرفته است، اما در مورد طلاق موضعی سخت‌گیرانه دارد. احکامی که در سوره طلاق آمده، نشان از برخی سخت‌گیری‌هایی دارد که در راه مقابله با فروپاشی کانون خانواده اعمال نموده است.

سوم آنکه: در سوره طلاق دو نوع راهکار «کنشی» و «بینشی و گرایشی»، جهت حفظ کانون خانواده و مقابله با فروپاشی آن مشاهده می‌گردد. «حضور زن در منزل در عده طلاق»، «محدودیت زمانی خاص برای طلاق»، «جدایی شایسته»، «حضور دو شاهد عادل ناظر بر وقوع طلاق» چهار راهکار کنشی، و «یاد خدا»، «رعایت تقوا»، «حفظ حدود الهی»، «اعتقاد به امر الهی»، «ایمان به قیامت»،

«عبرت‌گیری از عذاب انسان‌های سرکش گذشته» و «توجه به قدیر و علیم بودن خداوند»، هفت راهکار بینشی و گرایشی است که سوره طلاق برای پیش‌گیری از طلاق در اختیار مؤمنان قرار داده است.

۶- منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن عاشور، م. ط. (۱۴۲۰). *التحریر و التنویر، بیروت. موسسه التاريخ العربی.*
- ۳- اخوت، ا. و قاسمی، م. (۱۳۹۳). *ساختار وجودی جامعه. تهران، انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت.*
- ۴- امین، ن. (۱۳۶۱). *مخزن‌العرفان در تفسیر قرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان.*
- ۵- بازرگان، ع. (۱۳۷۵). *نظم قرآن. چاپ دوم، تهران، قلم.*
- ۶- بدران ابوالعینین، بدران (بی تا). *الفقه المقارن للأحوال الشخصیة، بین المذاهب الاربعه السنیة و المذهب الجعفری و القانون. بیروت، دار النهضة العربیة.*
- ۷- بروجردی، آ. (۱۳۸۶). *جامع أحادیث الشیعة. تهران، انتشارات فرهنگ سبز.*
- ۸- ثعلبی نیشابوری، ا. (۱۴۲۲). *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن. بیروت، دار إحياء التراث العربی.*
- ۹- جوادی آملی، ع. (۱۳۸۸). *زن در آئینه جمال و جلال. محقق محمود لطیفی، چاپ نوزدهم، قم، مرکز نشر اسراء.*
- ۱۰- حسینی شیرازی، م. (۱۴۲۳). *تبیین القرآن. چاپ دوم، بیروت، دار العلوم.*
- ۱۱- حقی بروسوی، ا. (بی تا). *تفسیر روح البیان. بیروت، دارالفکر.*
- ۱۲- خطیبی کوشکک، م. و دیگران (۱۳۸۶). *فرهنگ شیعه. قم، زمزم هدایت.*
- ۱۳- دهخدا، ع. (۱۳۴۸ش). *لغت‌نامه دهخدا. تهران، چاپ دانشگاه تهران.*
- ۱۴- راوندی، ق. س. (۱۴۰۵). *فقه القرآن فی شرح آیات الأحکام. چاپ دوم، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.*
- ۱۵- زحیلی، و. (۱۴۱۸). *التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج. بیروت، دار الفکر المعاصر.*
- ۱۶- زمخشری، م. (۱۴۰۷). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. بیروت، دارالکتب العربی.*
- ۱۷- سبزواری نجفی، م. ه. (۱۴۱۹). *ارشاد الأذهان الی تفسیر القرآن. بیروت، دار التعارف للمطبوعات.*
- ۱۸- شوکانی، م. (۱۴۱۴). *فتح‌القدیر. بیروت، دار ابن کثیر.*
- ۱۹- حر عاملی، م. ح. (۱۴۰۹). *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة. قم، مؤسسه آل البيت %.*
- ۲۰- صادقی تهرانی، م. (۱۳۶۵). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن. چاپ دوم، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی.*
- ۲۱- صبوچی طسوجی، ع. (۱۳۹۶). *تدبر در قرآن کریم. قم، مشعر قم.*
- ۲۲- صدوق، م. (۱۴۱۳). *من لایحضره الفقیه. چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.*
- ۲۳- صدوق، م. (۱۴۰۶). *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال. چاپ دوم، قم، دار الشریف الرضی للنشر.*
- ۲۴- طباطبایی، م. ح. (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن. تهران، دارالکتب الاسلامیه.*
- ۲۵- طبرسی، ح. (۱۴۱۲). *مکارم الأخلاق. چاپ چهارم، قم، الشریف الرضی.*
- ۲۶- طبرسی، ح. (۱۳۷۲ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.*
- ۲۷- طوسی، م. (۱۴۰۷). *تهذیب الأحکام. چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیه.*
- ۲۸- طوسی، م. (۱۳۹۰). *الإستبصار فیما اختلف من الأخبار. تهران، دارالکتب الإسلامیه.*
- ۲۹- طیب، ع. (۱۳۷۸). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران، انتشارات اسلام.*

- ۳۰- عمید، ح. (۱۳۵۷). فرهنگ عمید. تهران، امیر کبیر.
- ۳۱- فراء، ا. ی. ز. (بی‌تا)، معانی القرآن، مصر، دارالمصریه للتألیف و الترجمة.
- ۳۲- فیومی، ا. م. (۱۴۱۴). المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی. قم، مؤسسه دارالهجره.
- ۳۳- قرشی، ع. ا. (۱۳۷۷). تفسیر احسن الحدیث. تهران، بنیاد بعثت.
- ۳۴- کاشانی م. ف. (۱۴۲۳). زیده التفاسیر. قم، بنیاد معارف اسلامی.
- ۳۵- کاشانی م. ف. (۱۳۳۶ ش). تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین. تهران، کتابفروشی محمد حسن علمی.
- ۳۶- کاشفی سبزواری، ح. ع. (۱۳۶۹). مواهب علیه. تهران، سازمان چاپ و انتشارات اقبال.
- ۳۷- کلینی، م. ی. (۱۴۲۹). الکافی. قم. دارالحدیث.
- ۳۸- مدرسی، م. ت. (۱۴۱۹). من هدی القرآن. تهران، دار محبی الحسین.
- ۳۹- مطهری، م. (۱۳۹۰). ده گفتار. چاپ سی و یکم، تهران، صدرا.
- ۴۰- مطهری، ک. (۱۳۶۵). نظام حقوق زن در اسلام. چاپ پنجم، تهران، صدرا.
- ۴۱- معین، م. (۱۳۶۰). فرهنگ معین. چاپ چهارم، تهران، امیر کبیر.
- ۴۲- مقدس اردبیلی، ا. م. (بی‌تا). زیده البیان فی أحكام القرآن. تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- ۴۳- مکارم شیرازی، ن. و دیگران. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران، دارالکتب الإسلامیه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Strategies to deal with the collapse of the family unit based on the teachings of the Holy Quran (The verses of Surah Talaq)

Ebrahim Kalantari ¹, Fatemeh Layeghi ²

1. Full Professor, Faculty of Islamic Education and Thought, University of Tehran, Iran
ekalantari@ut.ac.ir
2. PhD student, Department of Quran and Hadith, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
fatemeh7783@gmail.com

Abstract

One of the harms that the local community recognizes is the deterioration of the marital bond and the collapse of the family unit due to divorces, which have many negative consequences in various aspects of human life; concerning divorce consequences, it prevents it from being found of marriage. The Holy Qur'an, as the pure and important source of Islam, has offered beneficial strategies to preserve the family unit and reduce divorces. This study aimed to find the strategies to deal with the center of the collapsing family, which are stated in Surah Al-Talaq; these strategies are into two categories: action, insight, and tendency. In Al-Talaq Surah, the practical strategies are observed, including a specific time limit for divorce, the presence of a woman at her husband's home during the divorce period, a proper separation, and the presence of two just witnesses overseeing the divorce. The strategies of insight and inclination of Surah Al-Talaq are remembrance of God, invitation to piety, divine protection, divine command, belief in the resurrection, learning from the punishment of rebellious human beings of the past, paying attention to the power and knowledge of God.

Keywords: Holy Quran, Family Center, Divorce, Action Strategies, Insight and Tendency Strategies.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)